

و او بولد منع کرد و گفت جایز نیست الا کسی که سبب مصطفی
صلی الله علیه وسلم کرد، باشد و عامل عزمین عبد العزیز از
کوفه بوی نوشت که شخصی سبب عزمین الحطاب کرد، اگر فرصت
دی روز قتل کم و در جواب نوشت جایز نیست کسی را
که سبب قتل کنند الا وقتی که سبب پیغمبر صلی الله علیه وسلم
کرد، باشد قلست سوار بر فراری شاعری معین بود
و در معلوم شروع داشت و در بعضی از مناظرات استهزا بعضی
رسالت صلی الله علیه وسلم کرد و فاضلی و قضا حکم بر قتل و سبب
او کردند پس او را سرنگون کردند و چون قرار بدید
و پشت قبله داد و علامتی عظیم بود و خدای تعالی بکشد
و چون او را کار روزند و خون روان شد گویی آید و خون او
میچورد و از علما که حاضر بودند گفتند صدق رسول الله
و حدیثی نقل کردند که فرمود، که سگ خون مسلمان نخورد و بعد
از آن او را فرود آوردند و بیسوزانیدند حکم و قتل این بود که
بیان رفت اما از روی اعتبار و نظر آنست که هر کس که سبب
یا عیب پیغمبر صلی الله علیه وسلم کند آن علامت و سبب
و دلیل ستر نهائی و مغز او باشد پس اگر توبه بوجوب کند که
قراین شفاء قلب او معلوم شود فهو المراد و الا آنچه سزاوار
و مکافات وی باشد بی عملت و مناظره و محابا و اندلس

در
مجموع

از لس نلند و بتقدیم رسانند تا ششمین الولید روانه کند که
شخصی را خبر داد که من که دوست ندارم و بخله رسا
و از علما سوال کرد و گفتند عیب پیغمبر صلی الله علیه وسلم کرد
است که آن حضرت آنرا دوست میداشت پس حکم کرد
تا او را قتل کردند و من حاضر بودم او را احسین طبری روایت
کند که شخصی سوال از ابی سبید از طرفی کرده که راستنجا آید
استخوان جایز است گفت نه او کت سبب چیست گفت
پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که آن روزی من را کت
آدمی فاضلتر است یا من کت آدمی پس کت چه بودند جایز است
که راستنجا آید کتد و حال آنکه رزق آدمیست پس ابوسبید
بر خست و هلقوم او گرفت و میگفت ای زندقه معارضه
یا رسول خدای مبینی و اگر نه من او را خلاص میگردم گشته
چا شد عبدالله نخودن روانه کند که هر طریقی عوز را این
شریح بود و شخصی از کوه آید و کت زن من بر شش ما، راستنجا
است کت آن فرزند تو باشد که مصیبتی صلی الله علیه وسلم
فرموده که ولد از آن صاحب قرآن است و زانی راستنجا
باید کرد و او در جواب گفت من برین قابل نیستم پس این را
شریح فی الحال شمشیر هر کشید و گفت غمرا است و ما هر
آن مرد چرا فاجه و کتیم جا صلی الله علیه وسلم کت شخص تو مید

نبرد

الغزوة و فتح الطاء و اسم
بلدة صحابة